

توضیح

آخوند هاشمی رفسنجانی که درس‌هایی از باب وقاحت که از حوزه‌ها قدیمه بنام درس اخلاق تلمذ نموده است می‌گوید: « این مسأله قطعاً برای ما مقدور است و می‌توانیم خودمان را از نفت رها کنیم. در این مسأله رهبری خیلی زودتر به این فکر بوده‌اند و در همین بحث اصل ۴۴ ایشان تأکید بسیار جدی داشتند که اقتصاد کشور را از نفت سریعاً جدا کنیم، اما ما دیدیم به خاطر برخی شرایط نمی‌توانیم به سرعت از اقتصاد نفتی جدا شویم و ۱۰ سال فرصت داریم تا سالی ۱۰ درصد از نفت منفق شویم. ما اگر ۳ سال پیش شروع کرده بودیم با سالی ۱۰ درصد می‌توانستیم از نفت جدا شویم، اما اگر الان بخواهیم شروع کنیم باید با سالی ۱۵ درصد خودمان را از نفت رها کنیم. روال بودجه کشور بر اساس پیشنهاد دولت ۱۵ درصد نفتی‌تر شده است، تازه در مجلس بسیاری مواد و تبصره اضافه می‌شود که این میزان را افزایش می‌دهد. به گفته وی، ساختن اقتصاد کشور با شیوه گدای‌پروری جواب نمی‌دهد و لذا باید در عرصه تولید قدم‌های مهم و اساسی برداریم. وی درباره عدم شفافیت در ساختارهای اقتصادی پیرامون مسائل خرد و کلان، گفت: ما در پایان دولت خودمان طرحی را ارائه دادیم به نام کد اقتصادی. رسالت این طرح شفاف‌سازی اقتصادی در کشور بود و معاملات به صورت زیرزمینی قابل انجام شدن نبود و هر فعالیت اقتصادی نیازمند داشتن کد اقتصادی بود و دولت حق نداشت بدون داشتن کد اقتصادی به کسی خدمات یا کالا بدهد یا بگیرد. این مسأله در قانون هم وارد شد اما اجرا نشد و من فکر می‌کنم با اجرای آن این مسأله به راحتی حل و فصل می‌شود.» (روزنامه اعتماد ملی ۱۳۸۷/۲/۲۹)

ایشان مردم همچون مرادش خمینی مردم را خر حساب می‌کنند و از «وجود رانت خواری و قاچاق و فساد» با همان گریه آخوندیش این چنین لفاظی می‌کند: «وجود رانت در بخش دولتی باعث به وجود آمدن فساد اقتصادی می‌شود زیرا در بخش خصوصی رانت دهنده وجود ندارد و باید براساس همت و تلاش خود فعالیت نمایند و اگر بخواهند رانت بگیرند باید از دولت بگیرند ولی اگر دولت سالم باشد و راه را درست کند این فسادها به وجود نمی‌آید زیرا رانت‌های دولتی، خطرناک، سنگین و از اموال عمومی و بیت‌المال است. هاشمی رفسنجانی در ادامه اظهار داشت: وقتی دولت توزیع خودش را کوینی می‌کند، کوین تقلبی وارد می‌شود و بازار سیاه به وجود می‌آید. مثلاً در بحث قاچاق کالا که مشکل ساز است، اگر تعرفه‌های واردات با سازوکار مشخصی تعیین شود قاچاق به وجود نمی‌آید. او افزود: اینها یک طرف قضیه است اما طرف دوم که شاید رعایت مسائل را ضروری‌تر می‌کند این است که مدیران کشور انقلابی، معتقد و به اطلاعات روز آشنا هستند اما به خاطر نداشتن سازوکار مناسب و طبیعت کار به این امور سوق داده می‌شود.» (۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۷ - ایران اکنومیست)

هاشمی همانند مرادش سید روح الله خمینی که تمام هست و نیست فرهنگ حوزه دینی هزار را هزینه کردند این اخلاق نظری و در سیاست عملی را در «در دیدار روحانیون خوزستان» از «الطاف خداوند» می‌دانند! و در ادامه سخنانش ایشان خودش اذعان می‌کند از «متن روایات ولایت» به زبان دیگر از متن قرآن مجید نمی‌باشد و می‌گوید: در دوره‌ای که حدود ۲۵۰ سال به طول انجامید اداره حکومت اسلامی با معصومین بود. پس از آن نیز کسانی به نیابت امام زمان (عج) ولایت امر را به عهده گرفته‌اند. کسی که می‌خواهد به نیابت از امام زمان (عج) حکومت را برعهده می‌گیرد، باید دارای شرایط خاصی باشد؛ آن شرایط اختراع ما نیست و از متن روایات ولایت استفاده شده است. او اظهار می‌دارد که: با اشاره به برخی شرایط فردی که سمت رهبری را در جامعه اسلامی برعهده می‌گیرد، اظهار کرد: باید عالم و فقیه، توانا بر اجتهاد کامل باشد، باید عادل باشد که انحرافات در آن دیده نشود، باید متقی باشد که بالاتر از عالم و بالاتر از عدالت است، باید آگاه به زمان باشد و زمان‌اش را بشناسد، باید شجاع باشد که با خاطر نگرانی‌های غیرارادی از وظیفه‌اش کوتاهی نکند و باید مدبر باشد که امور امت را اداره کند.

هاشمی رفسنجانی با اشاره به این‌که "هم اینک در خیلی از کشورهای دنیا دموکراسی و حکومت مردم وجود دارد، اما شرایط ذکر شده در مدیریت را ندارند" و تأکید می‌کند «تفاوت ما با آن‌ها در مدیریت است» که حتماً آنها دارای شرایطی همانند سید علی خامنه‌ای و... که «فقیه، مدیر و مدبر» در فساد، خیانت و جنایت می‌باشد باید بر خوراد باشند و اظهار داشت: تفاوت ما با آن‌ها در مدیریت است. برای انتخاب رهبری در حکومت جمهوری اسلامی شرایط سختی قرار داده شده است. البته شرط بقا نیز در این شرایط دیده شده است. یعنی اگر کسی با چنین شرایطی برای رهبری جامعه اسلامی انتخاب شد، سپس معلوم شد که دیگر شرایط را ندارد، دیگر شرعاً نمی‌تواند تصرف کند و خودکار دیگر نباید از ولایتش استفاده کند. این تدبیر واقعاً تدبیر کارگشایی بوده است.

وی از بحق از «سلسله روحانیت و یا سلسله جلیله» سخن به میان می‌آورد و می‌گوید «سلسله‌ای که با نام روحانیت و در راهشان به عنوان نائبین امام زمان (عج) در تاریخ دیده شدند، حافظ واقعی پیام آسمانی، قرآن هستند. برای شیعه مایه افتخار است» این سلسله که یکی از بنیادهای اصلی استبداد در تاریخ اجتماعیه ایران از باستان تا کنون هستند و کیانیان از همین «سلسله جلیله» بودند و در این زمان مسنولین این همه جنایت، خیانت و فساد و غارت هست و نیست ثروت‌های ملی ایران و پیش‌خور کردن آن هستند و در آینده با کلمه‌ای با همان سانسوسبازی آخوندی می‌گویند اشتباه شده است و آیا آینده برای آن دسته از روحانیت خاموش که مخالف استبداد دینی و حکومت نظام مافیائی می‌باشند ولی بطور منفعل عمل می‌کنند، دیگر دیر نخواهد بود؟ جواب مردم را در آینده چه خواهند داد؟

شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی ادامه می دهد : سلسله‌ای که با نام روحانیت و در راهشان به عنوان نانبین امام زمان (عج) در تاریخ دیده شدند، حافظ واقعی پیام آسمانی، قرآن هستند. برای شیعه مایه افتخار است که چنین تنظیمی را در ساختار خودش کرده است، البته این ساختار سیاسی نیز هست. در زمان حاضر لطف الهی از آستین شخصیتی بزرگ مانند امام(ره) بیرون آمد که انسان بی‌نظیری بود. ما شبیه ایشان را کمتر در تاریخ می‌شناسیم. امام خمینی(ره) در مجموعه انسانی فیلسوف، عارف، فقیه، سیاستمدار، مدیر، مدبر و شخصیت نابغه بود. آثاری که امام خمینی(ره) بوجود آوردند طومار سلسله ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را در ایران درهم پیچید و بجای آن حکومت اسلامی، مبتنی بر مکتب اهل بیت را ایجاد کردند. انقلاب ما مثل روی کار آمدن هیچ یک از حکومت‌ها در جهان نیست. انقلاب ما، عظیم‌ترین انقلاب تاریخ است. در تاریخ انقلابی نداشتیم که جامعه را تبدیل به جامعه‌ای کند که محوریتش دین اسلام و مکتب اهل بیت باشد. در این نوع حکومت تمام مقررات باید الزاماً مطابق اسلام و مکتب اهل بیت باشد. این موضوع واقعا بی‌سابقه است.

وی خود و ... و این «سلسله جلیله روحانیت» را مستبد نمی داند و خاطرنشان کرد: در تاریخ شاهدیم که روحانیت اهل بیت(ع) و مذهب تشیع در اختلاف‌ها بین حکومت‌ها و مردم طرف مردم را گرفته‌اند. البته در موارد خاصی علمایی که با حکومت‌ها همکاری می‌کردند، از حضورشان در سیستم حکومتی به نفع مردم استفاده می‌کردند. وقتی بر جامعه حکومت‌های مستبد حاکم بود، تنها پناه مردم روحانیون بودند. این ویژگی روحانیت بود که توانست این انقلاب عظیم را در ایران پیروز کند.

وی که در پیوست این متن گوشه ای از غارت، فساد و خیانت را او خاندان و یارانش را می خواند و به وظیفه اش عمل می کند تا به قول خودش «پیش خداوند شرمنده نشود» و در پایان سخنانش ادامه می دهد : ارزش روحانیت پس از انقلاب نیز محفوظ ماند. در همین حکومت، طلبه‌ها و روحانیت، اکثریت قاطع‌شان با مردم و در متن مردم هستند. این موضوع یک اعتبار بالایی است برای این جریان و خداوند به ما توفیق داده که جزو این سلسله جلیله باشیم. ان شاءالله ارزش و وظیفه خودتان را به خوبی می‌شناسید و به خوبی عمل کنیم تا پیش خداوند شرمنده نباشیم تا بتوانیم این میراث نیروهای مبارزه و مجاهد را به نسل‌های بعد به خوبی منتقل کنیم.» (ایسنا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۸)

ج-خ

۲۰ سه شنبه مه ۲۰۰۸ برابر با ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۷

چه کسانی بر ما حکومت می کنند: علی اکبر هاشمی رفسنجانی و خانواده او

پنجشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۸۳

نشریه انقلاب اسلامی

به نقل از شماره های: ۵۹۹ و ۶۰۰

انقلاب اسلامی : از آنجا که خبرهای فسادهای مافیای رفسنجانیها در درون و بیرون مرزها ، انتشار یافته اند، در این شماره، فسادها ای مافیا را در قلمرو معاملات بر محور نفت می آوریم :

پل کلبنیکف نویسنده «ملاهای میلیاردی» کشته شد:

● در ۹ ژوئیه ۲۰۰۴ ، پل کلبنیکف Paul Klebnikov کشته شد. او ۴۱ سال داشت و به ضرب ۴ گلوله کشته شد. او هنوز زنده بود که گفت : « فکر می کنم ملاحی حاکم بر ایران ترور من هستند ». آکساندر گوردیو، مسئول مجله امریکائی فوربس Forbs به زبان روسی ، در مسکو، قول او را به آسوشیتد پرس گفته است.

در ماه مه، مجله فوربس توجهی به تمام به میلیاردرهای روسی کرد و فهرستی از آنها انتشار داد . بنا بر این گزارش، مسکو بیشتر از هر شهر دیگر دنیا، میلیاردر دارد. اینها در همین شهر کار می کنند و یا ثروت می اندوزند .

کلبنیکف ، روسی الاصل امریکائی ، در کتابی که به سال ۲۰۰۰، در باره بوریس برزوسکی Berezovsky، نوشته است ، شرح می دهد که چسان او در لندن ، به حال تبعید زندگی می کند اما صدها میلیون دلار را از روسیه به بیرون می برد.

در همین مجله، در ژوئیه ۲۰۰۳ ، او ملاحی میلیاردر ایرانی ، از جمله هاشمی رفسنجانی را معرفی کرده است . از آن پس ، اطلاعات جدید به اطلاعاتی افزوده شده اند که او انتشار داده بود :

● در ایران، یک دولت واقعی و در سایه وجود دارد و یک دولت « رسمی » که آلت دست دولت در سایه است. از سران دولت سایه، یکی هاشمی رفسنجانی است :

* او که اینک رئیس مجمع تشخیص مصلحت است ، پدر برنامه خصوصی سازی اقتصاد ایران بود. در ریاست جمهوری او ، کارخانه های آب و نان دار و قراردادهای پر درآمد، بنا بر قول از اعضای مخالف اتاق بازرگانی ایران ، به ملاحی فروخته شدند و یا با آنها و شرکایشان منعقد شدند. خانواده رفسنجانی که بضاعت اندکی که باغ پسته بود، بیش نداشت ، اینک ثروتی عظیم گرد آورده است. رضا ، تاریخ دان که نخواست نام خانوادگی خود را بگوید و با یکی از برادران رفسنجانی، در دانشگاه ، همدوره بوده است، خوب بیاد می آورد که این خانواده ثروتی نداشت و دو برادر از ممر شهریه ای زندگی می کردند که از محل وجوهات شرعی به آنها پرداخت می شد.

* در پی انقلاب ایران، رفسنجانیها سلطان پسته شدند. یک برادر رئیس بزرگ ترین معدن ایران و برادر دیگر رئیس صدا و سیما شد . برادر زنش استاندار کرمان گشت و برادرزاده اش رئیس شرکت صادرات پسته شد. یک فرزند او رئیس مترو تهران گشت و دیگری در شرکت نفت صاحب مقام گشت. خانواده رفسنجانی یکی از بزرگ ترین شرکتهای مهندسی نفت و مونتاژ خودروهای کره ای داوو و شرکت حمل و نقل هوایی را صاحبند.

* هر کس جرأت کرده است این خانواده و فسادهای مالیش را به زیر سؤال ببرد، سر به نیست و یا چنان تنبیه شده است که دیگر لب به سخن باز نکند : روزنامه نگاری که در باره معاملات پنهانی رفسنجانی و نقش او در ترور مخالفان تحقیق می کرد، در زندان، زبانش بسته است. تازه اقبال یاورش بوده است. زیرا مخالفان با فساد و استبداد ، کشته شدند .

* برخی از ثروتهای جلو چشم همگان هستند. برای مثال، یاسر ، کوچک ترین پسر رفسنجانی ، در لویزان ، واقع در شمال تهران، پرورشگاه اسبی به وسعت ۳۰ جریب دارد. هر جریب این زمین ۴ میلیون دلار ارزش دارد. یاسر پول از کجا آورد و چگونه صاحب این پرورشگاه اسب شد؟ او که در بلژیک آموخته شده، شرکت واردات و صادراتی ایجاد کرد که دستش در هرچه وارد و هرچیز خارج کند، باز است.

* تا چند سال پیش، ساده ترین راه ثروتمند شدن ، دلار را از دولت ۱۷۵ تومان خریدن و در بازار به ۸۰۰ تومان فروختن بود. تنها کافی بود اجازه وارد کردن بگیری و بابت آن، دلار ۱۷۵ تومانی از دولت بخری. سعید لیلان که اقتصاد دان است، می گوید: بنا بر ارزیابی من، ظرف ۱۰ سال، ۳ تا ۵ میلیارد دلار ، از راه تفاوت این دو نرخ دلار، به جیب زده شده است که از آن، سهم شیر را ۵۰ خانواده برده اند.

* یکی از خانواده هانی که از تفاوت دو نرخ سودی عظیم برده است، خانواده اسدالله عسگر اولادی است. او نیز در کار صادرات و واردات است. ثروت این برادر، تا چند سال پیش، ۴۰۰ میلیون دلار برآورد می شد. برادر بزرگ تر، حبیب الله، که وزارت بازرگانی یافت، اجازه واردات پرسود را به کسان خود و ملاهای حاکم می داد. او در بیشمار شرکت سهامی است.

* بخش مهمی از اقتصاد کشور در دست بنیادها است. عملکرد سالانه این بنیادها را ۱۰ تا ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی برآورد می کنند. این بنیادها برای کمک به مستضعفها بوجود آمده اند اما بتدریج، به خدمت ثروتمندها درآمده و وارد معاملات بازرگانی پرسود شده اند.

* یکی از مهمترین بنیادها، بنیاد مستضعفان است که مدتها محسن رفیق دوست سرپرست آن بود. محسن رفیق دوست و برادرانش در میدان سبزی و میوه جات کار می کردند. اقبال با او یار بود زیرا راننده خمینی شد از فرودگاه به بهشت زهرا. از انقلاب بدین سو، به ثروت رسیدند.

از محل درآمدهای بنیاد، او به حامیان ملایان حاکم پول می پرداخت. با پولهای بنیاد است که به افراد بی بضاعت پول می پردازند و در تظاهرات، از آنها، بمثابة سیاهی لشکر استفاده می کنند.

از کارهای گردانندگان بنیاد، رشوه ستانی از طرفهای خارجی است: مؤسسه خارجی به بنیاد معامله ای را پیشنهاد می کند. کسی که از سوی بنیاد طرف گفتگو است، به او می گوید: موافقم. جزئیات را با مدیر اداری من گفتگو کنید. فرستاده مؤسسه خارجی به سراغ مدیر می رود. مدیر به او می گوید: می دانید! ما دو تا اقتصاد داریم. یکی رسمی و دیگری غیر رسمی. اگر میخواهی معامله سر بگیری، باید با غیر رسمی معامله کنی. یعنی باید این مبلغ را به این حساب و در این بانک خارجی بسپری بعد بیانی معامله را امضاء کنیم.

امروز، رفیق دوست بنیاد نور را اداره می کند. واردات فرآورده های دارویی و شکر و مصالح ساختمانی این بنیاد را ۲۰۰ میلیون دلار در سال برآورد می کنند. آپارتمان سازی هم می کند. او که ثروتی عظیم صاحب شده است می گوید: من آدمی با ثروت معمولی هستم. بعد قیافه ناپلئون وار به خود می گیرد و می گوید: « اما اگر اسلام بخطر بیفتد، دوباره بزرگ می شوم! »

او به پول محرمانه ای دسترسی دارد که در صورت نیاز، در اختیار ملایان حاکم می گذارد. هاشمی رفسنجانی گفته است: جمهوری اسلامی نیاز به ذخیره پولی برای زمانی دارد که اسلام به خطر بیفتد.

بعنوان وزیر سپاه، او نقشی کلیدی در آدم ربانیهای حزب الله لبنان و هواپیما ربانی و عملیات انفجاری بازی کرد. عملیات انتحاری نیز در همان زمان سازمان یافت. بنا بر قول گرگوری سلیمان سخنگوی وزارت امور خارجه در امور خاورمیانه، سیاست خارجی ایران از راه بنیادها انجام می گرفت. نه تنها از لحاظ مالی بلکه از نظر پوشش دادن به ترورهای که سپاه طرح و اجرا می کرد.

* از بنیادهای بسیار مهم، یکی بنیاد رضوی است که طبسی تیول آن را دارد و فرزند او ناصر در رأس مافیایی است که منطقه آزاد سرخس در تیول او است. در سالهای ۱۹۹۰، حکومت و بنیاد صدها میلیون دلار خرج این منطقه کرد. میان ایران و ترکمنستان خط آهن کشید. یک فرودگاه بین المللی ایجاد کرد. هتل و بناهای اداری ساخت. و ناصر طبسی مدیر منطقه آزاد سرخس شد. بعد، دستگیر شد بابت فساد از طریق شرکت المکاسب که اقامتگاهش دویی بود. بدیهی است تبرئه شد.

از هنرهای هاشمی رفسنجانی و مافیای او اینست که بجای رقابت، طریق ایجاد شبکه از مافیایها را برگزید و مافیایهای عضو این شبکه که بر همه جای ایران، چنگ انداخته اند، یکدیگر را حفظ می کنند.

معامله هالی برتون و رشوه ستانی از استات اوپل :

انقلاب اسلامی : به یاد خوانندگان می آوریم که رابطه با هالی برتون را که از طریق مافیای رفسنجانی برقرار شده بود، نخست این نشریه بر ملاء کرد. اینک ، با آنکه هالی برتون وجود معامله را انکار نمی کند، اما نام طرف ایرانی او، پسر هاشمی رفسنجانی، هنوز برده نمی شود. چنانکه پسران او با پسران صدام معاملات پرسودی داشتند اما نه امریکاییها و نه شورای حکومتی و نه حکومت منصوب امریکا، روابط خانواده هاشمی رفسنجانی و برخی سران سپاه، با خانواده صدام و رژیم او را هنوز انتشار نداده اند.

● از سه رسانه، واشنگتن پست و سی ان ان و مجله نشین، اطلاعاتی را که در باره معامله هالیبرتن با ایران را اخذ و در دسترس خوانندگان می گذاریم :

* سی ان ان (۲۰ ژوئیه) خبر میدهد که پرونده هالی برتون از وزارت خزانه داری به وزارت دادگستری احاله شده است. هالیبرتن در گزارش سالانه خود میگوید : درآمدهای حاصل از معامله با ایران ، حدود ۸۰ میلیون دلار بوده است. که نیم درصد از درآمدهای شرکت در سال ۲۰۰۳ می شود که ۱۶/۳ میلیارد دلار است.

سناتور دموکرات ، فرانک لوتنبرگ، میگوید: بررسی در باره تخطی از قانون منع معامله با ایران می باید نقش دیگ چنی، معاون رئیس جمهوری را در برگیرد.

هالی برتون می گوید: شعبه شرکت که در ثبت است ، مرکزش در دوی قرار دارد و تنها در ایران فعالیت می کند و به شرکت ملی نفت ایران خدمات و تجهیزات ارائه می کند. اما

* CBS گزارش می کند که خبرنگار خود را به Cayman islands فرستاده و در ساختمانی که هالی برتون می گوید، اثری از شعبه ادعائی نیافته است. ساختمان به یک بانک محلی متعلق است. (به نقل از نشین ۲۱ ژوئیه)

* واشنگتن پست (۲۱ ژوئیه) خبر می دهد که هلی برتون و دیگ چنی، مدیر عامل پیشینش، بخاطر قراردادهای برای بازسازی صنعت نفت عراق ، تحت تعقیب بودند و اینک پرونده معامله با ایران نیز بر آن افزوده می شود.

بنا بر گزارش سالانه شرکت، شعبه اش ، سالانه حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار با ایران معامله می کند.

● نشین (۲۱ ژوئیه ۲۰۰۴) مقاله ای را به معامله های هالیبرتن با ایران اختصاص داده است. نکات عمده آن عبارتند از :

* معامله های مستمر شعبه شرکت هالیبرتن با ایران ، از ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۰ ، در دوره مدیر عاملی دیگ چنی ، انجام شده است. شرکتهای امریکائی بسیاری در ایران کار می کنند . اما سخت مراقب هستند معامله ها را از طریق شعبه هانی انجام دهند که در یک کشور خارجی به ثبت رسیده باشند و کارکنان امریکائی نداشته باشند و شرکت بتواند بگوید در کار خود مستقل هستند.

* اگر پرونده از خزانه داری به دادگستری رفته است، یعنی این که الف - مدارک قطعی هستند وگرنه خزانه داری وارد مرحله تحقیق نمی شد. و ب - خزانه داری تحقیق خود را انجام و پرونده را برای رسیدگی قضائی به دادگستری فرستاده است.

سناتور فرانک لوتنبرگ که دفترش مدارک در اختیار وزارت خزانه داری قرار داده است، دیروز (۲۰ ژوئیه) گفت: شعبه سازی تنها بدین قصد انجام گرفته است که هالیبورتن قانون را نقض کند بدون اینکه تحت تعقیب قرار گیرد. در کنفرانس مطبوعاتی که ستاد تبلیغاتی جون کری، نامزد ریاست جمهوری، ترتیب داد، لوتنبرگ به روزنامه نگاران گفت: قابل تصور نیست یک شرکت آمریکایی قانون را نقض کند و به ایران کمک کند برای اینکه درآمد خود را بالا ببرد.

سخنگوی ستاد تبلیغاتی بوش اتهامی که به دیگ چنی زده می شود (خود معامله ها را تصدی کرده و وقتی هم معاون رئیس جمهوری شده، با استفاده از موقعیت او، هالیبورتن قانون را نقض کرده است) را سیاسی خواند و دموکراتها را متهم کرد که معامله هالیبورتن با ایران را دستمایه تبلیغات انتخاباتی کرده اند.

* مدتها است که دموکراتها دیگ چنی را بخاطر پیوند هایش با هالی برتون، شرکتی که قراردادهای بازسازی عراق امضاء کرده است، مورد سرزنش قرار میدهند. دیگ چنی پیوند خود با هالی برتون را تکذیب می کند.

* اما هالی برتون به اتهام پرداخت میلیونها دلار رشوه برای تحصیل قراردادها با نیجریه نیز تحت تعقیب است. وزارت دادگستری به ۶/۳ میلیون دلار رشوه برای امضای قرارداد در باره عراق، نیز تحت تعقیب است. وزارت دفاع نیز دارد به این امر رسیدگی می کند آیا شرکت ۱۸۶ میلیون دلار از جیب مالیات دهندگان آمریکایی برده و خورده است بدون اینکه موادی که تحویل داده بکار سربازان آمریکایی بیایند.

* نقض قانون مجازات ایران، ۱۰ سال زندان و ۵۰۰ هزار دلار جریمه دارد.

لوتنبرگ گفت: در مورد ایران، تحقیق هایی که وزارتخانه های خزانه داری و دادگستری تحت مهر جمهوریخواهها انجام داده اند مسلم می کند که اتهامهای شرکت و دیگ چنی بیشتر از آن جدی هستند که بتوان «سیاسی» توصیفشان کرد. تحقیق کمیته تحقیق در باره ترورها بر ضد آمریکا، سئوالهای بسیاری را در باره نقش ایران در تروریسم برانگیخته است. دفتر سناتور ۴ نامه را در اختیار خبرنگاران قرارداد که دفتر شرکت ملی نفت در لندن به شعبه هالی برتون در دوی فرستاده است. در هر ۴ نامه، تجهیزات و خدمات خواسته شده اند. افراد معینی، با خط خود، یادداشت هائی نوشته اند. لوتنبرگ می پرسد: آیا این افراد برای شعبه شرکت آمریکایی کار می کرده اند و قانون نقض شده است؟

هالی برتون تصدیق می کند که مدرکها اصالت دارند. اما میگوید: دو تن از شهروند انگلستان هستند و هیچگاه برای شعبه هالیبرتون کار نکرده اند. دو یادداشت دیگر نام اول خود را قید نکرده اند و شرکت نمی تواند هویت آنها را مشخص کند! مدارک نیز نمیگویند هالیبرتون قانون را نقض کرده است.

* در ۱۹۹۵، پرزیدنت کلینتون دستوری را امضاء کرد که بنا بر آن، شرکتهای آمریکایی از معامله با ایران، در قلمرو نفت، ممنوع شدند. ایران به حمایت از تروریسم بین المللی و مانع تراشی بر سر راه صلح خاورمیانه و تدارک اسلحه کشتار جمعی متهم شد. آن زمان، کلینتون گفت: توسعه منابع نفتی ایران به معنای پولهای جدید در اختیار دولت ایران گذاشتن برای ادامه سیاستهای کنونی است.

* یکی از منتقدان هالیبرتون کنترولر شهر نیویورک، ویلیام تمپسون، از حزب دموکرات است. او بر آن شد هالی برتون و شرکتهای دیگر آمریکایی را متقاعد کند از هرگونه معامله با کشورهای که از تروریسم حمایت می کنند، خودداری کنند. تلویزیون CBS، در برنامه ۶۰ دقیقه خود، در ماه ژانویه، به استناد فراخوان تامپسون، پرسید: چرا هالیبرتون با ایران معامله می کند؟

وقتی خبرنگار CBS دانست که هالیبرتون شعبه ای در Cayman islands ندارد، از کارمند بانک پرسید: مکتوبات الکترونیکی و غیر آن که بنام شعبه شرکت می آید، کجا می رود؟ او پاسخ داد: آنها را برای هالیبرتون به هوستن می فرستیم. (خط کشی ها از ما هستند)

● در ۲۴ تیرماه، "حمید ترنجیان مدیر گروه بازرسی وزارت نفت گفته است: اولین پروژه‌ای که استات اویل در ایران انجام داد پروژه مطالعات میدانهای بی‌بی‌حکیمه در جنوب است که رقم قرارداد ۲ میلیون دلار می‌باشد. البته عده‌ای معتقدند که شرکت استات‌اویل برای پروژه ۲ میلیون دلاری ۱۵ میلیون دلار رشوه نمی‌دهد."

لازم به ذکر است که رشوه مزبور که برخی ها مبلغ آن را تا ۳۰ میلیون دلار نیز ذکر کرده اند، به شرکتی بنام هورتون داده شده است که مهدی هاشمی پسر رفسنجانی از گردانندگان اصلی آن است.

مدیر گروه بازرسی وزارت نفت از برخی امتیازاتی که این شرکت در ایران از آن برخوردار شده، پرده برداشت و گفت: نکته‌ای که در قرارداد بی‌بی‌حکیمه مطرح است این است که طبق قرارداد بعد از اینکه شرکت استات اویل مطالعه میدان را به اتمام رساند، وزارت نفت بهره برداری از آن را به خود این شرکت با ترک تشریفات واگذار می‌کند که البته آن دیگر قرارداد چند میلیارد دلاری خواهد بود. حتی در قرارداد ذکر شده است که اگر مناقصه برگزار شده و استات اویل نتوانست در مناقصه برنده شود، ۱۰ درصد عملیات پیمانکاری و ۲۰ درصد سرمایه‌گذاری به این شرکت تعلق خواهد داشت. به کسی که در مناقصه بازنده می‌شود دلیلی ندارد امتیاز بدیم و این یک باج غیر معقولانه است.

در جریان این زدوبندها، شرکت استات اویل قبل از اینکه قراردادش منعقد شود کلیه اطلاعات ذخایر نفتی استان خوزستان که اسناد محرمانه است را به خارج از ایران منتقل کرده است.

انقلاب اسلامی: از خیانت‌هایی توأم با جنایت و فساد که هاشمی رفسنجانی و کسانی در آن شرکت داشتند که این روزها او را، بعنوان نامزد ریاست جمهوری، پیش کشیده اند، کودتای خرداد ۱۳۶۰ است. تاج زاده که آن زمان عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و همدست هاشمی رفسنجانی در کودتا بود، اینک که «اصلاح طلبی» قلابیشان به شکست انجامیده است، گمان می‌برد با ساختن تاریخ می‌تواند بقبولاند در بیرن رژیم، بدیلی و چشم اندازی وجود ندارد و در رژیم هم، انتخابی جز این جماعت وجود ندارد. غافل از اینکه ناخواسته ثابت می‌کند بدیل مردم سالار در بیرون رژیم و خط استقلال و آزادی است:

یک خبر مهم:

انقلاب اسلامی: در شماره ۵۹۹، خبر ترور پل کلبنیکیف نویسنده «ملاهای میلیاردی» را انتشار دادیم. قول او را، پیش از مرگ آوردیم. او گفته است: مرا را ملاهای ایران ترور کردند. اینک اطلاعاتی از طریق ایران دریافت کرده‌ایم. هرچند هنوز از وثوق کامل اطلاع مطمئن نیستیم اما انتشار آن را مفید یافته‌ایم. زیرا فرصت ایجاد می‌کند برای اهل اطلاع و یا کسانی که توان کسب اطلاع را دارند تا تحقیق کنند و اطلاع را از وثوق و دقت کامل برخوردار کنند:

● ترور پل کلبنیکیف توسط شخصی به نام مهدی برهانی که شریک شیخی بنام رضایی از نزدیکان خامنه‌ای است، طراحی و توسط سپاه انجام گرفته است. این شخص بکار تجارت اسلحه و تجهیزات نظامی و ابزار برای واواک بوده است. انتشار مقاله‌های کلبنیکیف سبب می‌شود که دیگر نتواند به تجارت بسیار پر سود خود ادامه دهد.

● علی اکبر هاشمی رفسنجانی هر آنچه را مربوط به زندگی و کارنامه سیاسیش می شود، بسختی کنترل می کند. از این رو، در باره زندگی سیاسی در دوران شاه و حتی دو سال اول انقلاب، از نوشته، تنها نوشته هائی وجود دارند که فرزندانش انتشار داده اند. با وجود این، چند واقعیت از زندگی او در آن دوران، روحیه او را نشان می دهد:

* پدر او، در رفسنجان یک باغ پسته داشت. پسته را به گز پزی در اصفهان می فروخت. کار تحویل پسته و گرفتن وجه بر عهده علی اکبر بود.

* یک دوره هم کارچاق کنی می کرد. هم برای خسروشاهی که کارخانه داشت - که خانه اش را، در جماران، خمینی تصاحب کرد و وقتی پسر او برای گرفتن خانه مراجعه کرد، تهدید شد اگر یکبار دیگر در حوالی خانه پیدایش شود، دیگر رنگ آسمان را نخواهد دید - و هم برای او. معرفش به کسانی که در ادارات کار داشتند، خسروشاهی بود. هر نوبت، صد تومان به او می داد تا در این و آن وزارتخانه، کاری از کارهای او را حل و فصل کند.

* اقبال به او وقتی روی کرد که تولیت، در قم، زمین در اختیار او گذاشت. از این زمان بیعد، در کار زمین خواری نیز افتاد.

* از ۱۵ خرداد ۴۲ بیعد، از کارهایی که کرده است، یکی تهیه اسلحه ایست که با آن، محمد بخارانی، از فدائیان اسلام، حسنعلی منصور را ترور کرد. کار دیگرش، هواداری از مجاهدین خلق بود. او برای گرفتن فتوا در حمایت این سازمان، به نجف، نزد خمینی نیز رفت. خمینی موافقت نکرد. با این حال، او حامی مجاهدین خلق بود و بهنگام بازگشت به ایران، زندانی نیز شد.

با توجه به این چند امر واقع، در تحولی که او کرد، پول و نقش آن و ترور و نقشش و کار چاق کنی (یادداشتهای روزانه او مربوط به سالهای ۶۰ و ۶۱ گزارش کارچاق کنی روزانه است: هیچ کاری نیست که به او مراجعه نکنند) ماند. با این تفاوت که جهت دهنده او که در دوره شاه «باور دینی» گمان می رفت، قدرت شد و بتدریج، عقیده نقش خویش را در فکر و عمل هاشمی رفسنجانی از دست داد و قدرت جای آن را گرفت. همین خط تحول است که کار او را به پدر خوانده مافیاهای نظامی - مالی شدن کشاند. هرچند آن مافیاهای دیگر حاضر نیستند تابع او باشند و از او می خواهند آلت فعل آنها باشد.

کارنامه ای که به تقلید از بنی صدر نوشته، از سال ۶۰ شروع شده و در ۱۳۷۸ زیر عنوان «عبور از بحران» چاپ شده است، با نامه ای به خمینی آغاز می شود. قسمتهای گویای آن نامه اینها هستند:

بسم الله الرحمن الرحيم

امام و رهبر تقلید عزیز و معظم

به نظر میرسد در ملاقاتهای معمولی، به خاطر کارهایی و خستگی جنابعالی، فرصت کافی برای طرح بحث مطالبی اساسی که داریم به دست نمی آید، ناچار چیزهایی که تذکرش را وظیفه تشخیص می دهم تحت عنوان «نصیحه لائمه المومنین» در این نامه بنویسم، خواهش می کنم توجه فرمایید و در ملاقات بعدی جواب لطف کنید:

۱ - یکسال پیش از انتخابات ریاست جمهوری نامه ای به خدمتتان نوشتم که نسخه ای از آن، ضمیمه این نامه است. شما در بیمارستان قلب بستری بودید و ملاحظه حال شما مانع تقدیم نامه گردید، خواهش دارم اول آن نامه را ملاحظه نمایید و سپس این یکی را.

۲ - احساس می کنم که روابط و ملاقاتهای ما با جنابعالی صورت تشریفاتی به خود میگیرد و محدودیتهایی در طرح و بحث مطالب - من جمله خوف از اینکه جنابعالی موضع گیری سیاسی و رقابت تلقی کنید - به وجود آمده و من خائفم که این حالت خسارت بار باشد.

۳ - تبلیغات متمرکز مخالفان - که مقام رسمی و تریبونهای رسمی در رل مخالف و اقلیت سخن می‌گویند - و نصایح کلی و عام جنابعالی و سکوت و ملاحظات ما که علل موضع‌گیری‌ها را روشن نکرده‌ایم. وضعی را به وجود آورده که خیلیها خیال می‌کنند ما و طرف ما بر سر قدرت اختلاف داریم و دو طرف را متساویا مقصر یا قاصر یا... می‌دانند. ما برای حفظ آرامش نمی‌توانیم مطالب واقعی خودمان را بگوییم و جنابعالی هم صلاح ندانسته‌اید که مردم را از ابهام و تحیر در آورید.

خود شما می‌دانید که موضع نسبتاً سخت مکتبی امروز ما دنباله نظرات قاطع شما از اول انقلاب تا به امروز است. بعد از پیروزی معمولاً ما مسامحه‌هایی در اینگونه موارد داشتیم و جنابعالی مخالف بودید. اما نظرات شما را با تعدیلهایی اجرا می‌کردیم، شما اجازه ورود افراد تارك الصلوه یا متظاهر به فسق و فجور را در کارهای مهم نمی‌دادید، شما روزنامه آیندگان و.. تحریم می‌کردید. شما از حضور زنان بی حجاب در ادارات مانع بودید، شما از وجود موسیقی و زن بی حجاب در رادیو و تلویزیون جلوگیری می‌کردید؟ همین‌ها موارد اختلاف ما با آنها است. آیا رواست که به خاطر اجرای نظرات جنابعالی ما درگیر باشیم و متهم و جنابعالی در مقابل اینها موضع بی طرف بگیرید؟ آیا بی خط بودن و آسایش‌طلبی را می‌پسندید؟ البته اگر مصلحت می‌دانید که مقام رهبری در همین موضع باشد و سربازان خیر و شر را تحمل کنند ما از جان و دل حاضر به پذیرش این مصلحت هستیم، ولی لااقل به خود ما بگویید. آیا رواست که همه گروه دوستان ما به اضافه اکثریت مدرسین و فضلا قم و ائمه جمعه و جماعات و... در يك طرف اختلاف و شخص آقای بنی صدر در يك طرف و جنابعالی موضع ناصح و بی طرف داشته باشید؟ مردم چه فکر خواهند کرد؟ و بعداً تاریخ چگونه قضاوت می‌کند

۴ - ما جایز نمی‌دانیم که میدان را برای حریف خالی بگذاریم و مثل بعضی از همراهان سابق قیافه بی طرف بگیریم و به اصطلاح جنت مکان و بی آزار و زاهد جلوه کنیم ...

۵ - قبل از انتخابات ریاست جمهوری ، به شما عرض کردیم که بینش آقای بنی صدر مخالف بینش اسلام فقهاتی است که ما برای اجرای آن تلاش می‌کنیم و هم بر همان نظر هستیم و شما فرمودید ریاست جمهوری مقام سیاسی است و کاری دستش نیست . امروز ملاحظه می‌فرمائید که چگونه در کار کابینه و... می‌تواند کارشکنی کند و چگونه با استفاده از مقام ، مجلس و دولت و نهادهای انقلابی را تضعیف می‌کنند و ما فقی می‌توانیم دفاع کنیم چون تضعیف متقابل را با گفتن نواقص رئیس جمهور صلاح نمی‌دانیم و همان دفاع هم مشاجره تلقی می‌شود و بحق مورد مخالفت جنابعالی قرار می‌گیرد و آتش بس می‌دهید و خودتان هم دفاع لازم را نمی‌فرمائید. که اختلاف دو بینش است که یک طرف مصداق اسلامش غضنفر پور و سلامتیان و سعید سنجابی و طرف دیگر رجائی و گنابادی و منافی و موسوی و... می‌باشند.

۶ - در خصوص جنگ و فرماندهی ارتش ، مطالب و احتمالات زیادی داریم . فرماندهی به خاطر ناهماهنگی و وحشت از نیروهای خالص اسلامی ، مایل است نیروهای غیر اسلامی را در ارتش حاکم کند - که منافع مشترک پیدا کرده اند - و نیروهای خالص دینی را یا منزوی و یا منفعل نماید... احتمال اینکه مدیران جنگ به علل سیاسی طالب طولانی شدن جنگ باشند، وجود دارد و این احتمال تکلیف آور است. احتمالاً آقای بنی صدر به منظور تضعیف دولت و شاید - بعضی ها هم باشند - برای اجرای منویات امریکا و... خصوصاً کمبود مهمات و اسلحه قابل توجه است. در این مورد، لازم است جنابعالی سریعاً فکری بفرمائید و بهتر است در یک جلسه طولانی و محرمانه با دوستان مورد اعتماد ارتشی نظیر صیاد شیرازی ، نامجو، سلیمی ، شیرودی و... با حضور ماها در خدمتتان بحث و تصمیم‌گیری شود.

۷ - ما حزب جمهوری اسلامی را با مشورت با شخص جنابعالی و گرفتن قول مساعدت و تأیید غیر مستقیم - من شخصاً در مدرسه علوی با شما در این باره مذاکره کردم - تأسیس کردیم و با توجه اینکه قانون اساسی تعدد احزاب را پذیرفته است فکر می‌کنیم یک حزب اسلامی قوی برای تداوم انقلاب و حکومت اسلامی ضرورت دارد ...

۸ - این جانب که جنابعالی را مثل جانم دوست دارم و روی زمین کسی را صالح تر از شما سراغ ندارم ، گاهی به ذهنم خطور می‌کند که تبلیغات و ادعاهای دیگران شما را تحت تأثیر قرار داده و قاطعیت و صراحت لازم را - که از ویژگیهای شما در هدایت انقلاب بود - در موارد فوق الذکر ضعیف تر از گذشته نشان می‌دهید. بسیاری از مردم هم متحیرند که چرا امام قاطع و صریح در این مسائل سرنوشت ساز صراحت ندارند. خدای نخواستہ اگر روزی شما نباشید و این تحیر بماند چه خواهد شد ؟ ...

۹ - آخرین مطلب - که در ترتیب مطالب جایز اینجای نامه نیست - اینکه ما پس از پیروزی آقای بنی صدر برای اینکه ایشان خیالش از جانب ما راحت باشد ، ایشان را به ریاست شورای انقلاب برگزیدیم و به جنابعالی پیشنهاد نیابت فرماندهی کل قوای ایشان را دادیم که سریعاً تصمیم بگیرند و کار کنند اما ایشان به اینها هم قانع نشد و مرتباً کمبود ها را متوجه ما می کرد و می گفت : « من می خواهم کار کنم ولی نمی گذارند » . در مرکز قدرت بود و دیگران را مقصر معرفی می کرد و امروز هم می بینید نقش اقلیت مخالف را . پس چه باید کرد؟ با سپاس و معذرت اکبر هاشمی ۱۳۵۹ / ۱۱ / ۱۵ (عبور از بحران - کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی - به اهتمام یاسر هاشمی - بهار - ۱۳۷۸ ص ۲۲)

« هوش بازاری » پدر خوانده از آنجا که حواسش پیش رنگ کردن مشتری است ، فرداها را نمی بیند . هاشمی نمی توانست سالها ی بعد را ببیند . ببیند که نامه مثل آئینه درون سیاه و زور پرست او همردیفهایش را نمایان می کند . نامه گویا است :
۱ - دو اسلام ، یکی اسلام بمنزله بیان آزادی و دیگری اسلام بمثابه بیان قدرت رویارو هستند. ۲ - بدون خمینی ، دستیاران زور پرست او توان مقابله با منتخب مردم ایران را ندارند. ۳ - ترساندن و تحریک کردن خمینی به برخاستن به مقابله با بنی صدر. ۴ - کودتا به کارگردانی خمینی و دستیاری بهشتی و هاشمی رفسنجانی و خامنه ای و... ۵ - طولانی کردن جنگ موافق تمایل امریکا است اما، در عمل ، بنی صدر در پی پایان دادن به جنگ می شود و کودتای خرداد ۶۰ ، از جمله برای طولانی کردن جنگ انجام می گیرد. با توجه به اینکه بنی صدر بر این نظر بود و از جمله در هشدار ۲۲ خرداد ۶۰ ، از علت‌های کودتا، طولانی کردن را ذکر کرده است و زمان بر صداقت قول او شهادت داد، این سنوال پیش می آید: آیا هاشمی رفسنجانی که در این نامه طولانی کردن جنگ را عمل به خواست امریکا می داند، با توجه به این امر که او در جریان کوشش بنی صدر برای پایان دادن به جنگ بوده است، نگران نبوده و اصرار بر تسریع در کودتا نداشته است تا هم جنگ را طولانی کند و هم سازش پنهان با ریگان - بوش بر سر گروگانها و در عوض اسلحه گرفتن ، بی محل و آشکار نشود . بخصوص که از کمبود مهمات و تسلیحات می نویسد. آیا او می تواند توضیح بدهد، با وجود کمبود اسلحه و مهمات، جنگ چرا ۸ سال طول کشید؟ آیا او می تواند بگوید که در ۱۵ بهمن ۵۹ ادامه دادن به جنگ را عمل به دلخواه امریکا می داند ، چطور ۴ ماه بعد یعنی در خرداد ۶۰ ، نگران آنست که مبدا بنی صدر موفق شود و به جنگ ، با پیروزی ، پایان بدهد ؟

هاشمی رفسنجانی عمر عاص اول جمهوری اسلامی ایران - این نامه مزورانه شما حتی دوستان موسوی اردبیلی از اینکه آن را ، برای خود شیرینی به تنهایی برای امام فرستاده بودی بسیار دلخور کرد . زیرا نامه دیگر را ۵ نفری امضاء کرده بودید - در این نامه سعی کرده‌ای با انگشت گذاردن بر اموری که خمینی را وادار به واکنش می‌نماید از شرایط موجود سوء استفاده نمایی. چرا که در نامه دست جمعیتان از این مسائل سوء استفاده نمی‌کردی و به همین خاطر چون می‌دانستی یا بهت خط داده بودند که خمینی را چه حرفهایی می‌تواند تحریک کند . برای او نامه می‌نویسی که بی حجاب هستند و تارك الصلوه هستند و موسیقی گوش می‌دهند. همین حرفهایی که آن زمانها یادمان هست جنتی و خزعلی میگفتند و شما در جریان موسیقی گوش دادن خمینی در خاطرات آقای دعاگو بودید ولی در این نامه نمی‌خواهید آن نظر خمینی را بپذیرید و به همین دلیل با دست گذاشتن بر نقاط حساس و متعصبانه آقای خمینی به ناگاه منویات درونی خودتان را که همانا بنی صدر چون تیر در چشمتان بود عیان می‌کنید : همه شما یک طرف و او به تنهایی طرف دیگر و شما ناتوان و او توانا . البته توانایی او از جانب‌داریش از آزادی و استقلال و ناتوانی شما از حرص قدرت و پول بود. در واقع ، شما به خمینی می‌گفته اید طرف بنی صدر، قدرت نیست و اگر او جانب بنی صدر را بگیرد ، باید از مدار قدرت شدن چشم بپوشد. اینست که به او می‌نویسید چرا همه ما را در يك طرف گذاشته‌اید و بنی صدر را در طرف دیگر و هیچ نمی‌گویید. آقای هاشمی یادتان هست که هیچ کدامتان جرات عرض اندام در مقابل بنی صدر را نداشتید و در تمام زمینه‌ها از دست او عاصی شده بودید چون جلوی تمام خلاف کاریهای شما را می‌گرفت و شما توان رقابت با او را نداشتید و تنها به این امید وار بودید که به گونه‌ای خمینی را بر ضد او وارد عمل کنید؟

جلال الدین فارسی می نویسد : وقتی امام گفتند (جلال الدین فارسی) برای ریاست جمهوری نه... آقای هاشمی، سراسیمه شدند و گفتند : «نه شما حق چنین کاری را ندارید. چون شما که خودتان کاندیدا نشده‌اید حزب و جامعه مدرسین شما را کاندیدا کرده‌اند. آنها باید تصمیم بگیرند... آن گاه به امام گفتیم «ما به عبدالناصر ایراد می‌گرفتیم که همسرش بدون روسری ظاهر می‌شود هر چند پیراهن آستین بلند می‌پوشد. شما می‌دانید که همسر و مخصوصاً دختر آقای بنی صدر در پاریس از لحاظ پوشش چه وضع زنده‌ای دارند؟! فرمودند : بالاخره هر کسی يك عیبی دارد. آقای هاشمی یاد آور شدند «این ضربه بزرگی است که به حزب فرود می‌آید. امام در حالی که می‌خواستند همراه ما از اتاق خارج شوند به هاشمی گفتند : «شما و حزب بروید با بنی صدر همکاری کنید...» در راه بازگشت، هاشمی گفت «مملکت را نمی‌شود به او سپرد». گفتیم همینطور

است. به زودی یقین کردم که ایشان، شهید بهشتی و دیگران با قاطعیت و استحکام تمام تصمیم دارند در برابر انحرافات و زیاده‌طلبی بنی صدر بایستند. (زوایای تاریخ، جلال الدین فارسی، ص ۵۲۰)

باز هم او می نویسد: اولین جلسه مسئولان ایالتی با مسئولان مرکزی حزب، پس از انتخاب بنی صدر به ریاست جمهوری و برای تصمیم‌گیری درباره انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی تشکیل شد. در این جلسه آقای موسوی اردبیلی... اظهار داشتند «با شکستی که در انتخابات ریاست جمهوری خوردیم در انتخابات مجلس هم شکست سختی خواهیم خورد». (زوایای تاریخ، جلال الدین فارسی، ص ۵۲۴)

و امید زنجانی می نویسد: منتها اگر امام واقعاً از ابتدا خائن بودن بنی صدر را پیش بینی می کردند. بسیار دشوار بود ایشان را تایید بکنند، چون امام بارها آن سنت و سیره امیرالمومنین را به اثبات رسانده که کسانی را که صلاحیت ندارند يك لحظه روی کار نگه ندارند. (حجت الاسلام عمید زنجانی ص ۲۲۶)

ریاست جمهوری تنها از دست شما بدر نرفته بود. بلکه کسی آن مقام را یافته بود که چون سد در برابر یورش شما برای تصرف دولت و بازسازی استبداد، ایستاده بود. لذا، قرار شد بار دیگر دور هم جمع شوید و دست به هرکار، ولو خیانت به کشور، ولو جنایت، ولو فساد (دزدیدن رأی و دیگر تقلبها در انتخابات و خریدن افراد و با تهدید نامزدها را از نامزدی منصرف کردن...) بزنید تا بتوانید او را از میان بردارید. به قول آقای ناطق نوری: آقای هاشمی چند دفعه این اختلافات را با امام در میان گذاشته بود و امام به ایشان فرموده بود: بروید به فکر آخرت باشید - ایشان (هاشمی) عصبانی شده بود و به امام گفته بود: همه‌اش که ما نباید به فکر آخرت باشیم يك خورده شما هم فکر آخرتتان باشید. یعنی این که چرا شما اینقدر بنی صدر را تایید میکنید؟ (خاطرات حجت الاسلام و المسلمین ناطق نوری، تدوین مرتضی میردار، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول تابستان ۱۳۸۲، ص ۲۱۶)

آری آقای هاشمی رفسنجانی برای شماها شکست از بنی صدر در انتخابات مانند تیری بود که در قلب خود حس می‌کردید زیرا با انتخاب او شماها در واقع می‌بایست برمی‌گشتید بر سر کارتان که همان روضه خوانی بود و اگر بر ضد ایشان کودتا نمی‌کردید به هیچ وجه شما و عاملان کودتا الان در این جایگاه دنیوی قرار نداشتید و حاج محسن و حاج علی و حاج یاسر و حاج خاتم فائزه و حاج خاتم فاطمه و حاج خانم عفت خاتم و علی آقا بچه ببخشید علی داداش و فرزندانش و تمام فامیل هاشمی‌ها - مرعشی‌ها - هاشمی‌ها - هاشمی بهرامی‌ها - هاشمی رفسنجانی‌ها و... مانند دیگر افراد عادی این کشور زندگی می‌کردند و به صورت مافیا و اختاپوس در نیامده بودند.

در شرف بنی صدر همین بس و زمان و تاریخ ایران شهادت می‌دهد که او از دار دنیا همین را دارد که الان دارد یعنی نامی نیک در تاریخ ایران و در خاطره ملت ایران ولی شما چه دارید به جز بی‌آبرویی - اختلاس (که آخرینش ماجرای شرکت نفتی بلژیک بود) و دهها پرنده چپاول و غارت و دختر فروشی و مواد فروشی و عتیقه فروشی و... اگر نبود فریب شما آیا ملت ایران دچار آن هرج و مرج سالهای ۶۰ به بعد می‌شد؟ آیا اگر نمی‌بود نامردمی‌های شما و دیگر دوستانتان در آن جریان کودتا آیا سرنوشت دین مردم به اینجا می‌رسید که الان رسیده است؟ آقای هاشمی می‌دانی برای رسیدن خود و دوستانتان به امیال حیوانی و دنیوی خودتان چه بلایی بر سر این مردم آوردید؟ و آیا به درستی در انتخابات مجلس ششم پاسخ مردمی را دریافت داشتید یا نه؟

مردی که ما مردم او را بحران ساز می‌دانیم نه بحران حل کن، گویا بار دیگر قصد شرکت در انتخابات رسایت جمهوری را دارد. البته به شما می‌گویم شرکت کنید. شرکت این باره شما امید بخش است. زیرا در این نوبت، از مردم، کسی کاری به شما و حکومتتان ندارد و در انتخابات شرکت نمی‌کنند. بنابراین با همان حداقل می‌توانید بار دیگر "رییس جمهور" شوید و باقیمانده سرمایه‌های کشور را به تاراج ببرید تا بعد تاریخ ایران شهادت بدهد که مردم ایران با افرادی مثل شما و دیگر کودتا چپان چه برخوردی کردند. زمانی که دوران فریبکاریهای شما به سر آید. گویا زلزله‌ای تمام کیان شما و روحانی نمایان فاسد را چنان در هم می‌پیچاند که مگو و می‌پرس.

در بند ۴ نامه می نویسد : ما جایز نمی‌دانیم که میدان را برای حریف خالی بگذاریم و مثل بعضی از همراهان سابق قیافه بی طرفی بگیریم و به اصطلاح جنت مکان و بی آزار و زاهد جلوه کنیم، به خاطر حفاظت از خط اسلامی انقلاب در صحنه می‌مانیم و از مشکلات، مخالفتها، و تهمتها نمی‌هراسیم و به صلاحیت رهبری جنابعالی ایمان داریم، ولی تحمل ابهام در نظر رهبر برایمان مشکل است مگر اینکه بفرمایید همین ابهام صلاح است. احتمال اینکه این ابهام در در رابطه با خطوط سیاسی و فکری جاری و خطی که در ارتش تعقیب می‌شود، آثار نا مطلوبی در تاریخ انقلابمان بگذارد، وادارم کرد به عنوان وظیفه روی این مطالب، صراحت و تاکید داشته باشم و امید وارم مثل همیشه این جسارت را ببخشید.

پدر خوانده در اینجا دودوزه بازی‌های شیرینی می‌کنید : اول اینکه می‌گویید به شما ایمان داریم.. بعد می‌نویسد در خط شما ابهام وجود دارد. یعنی آقای هاشمی رفسنجانی که در قبل از انقلاب و دوران مبارزه و بعد از انقلاب همیشه در ابهام بوده است و به عنوان مرد بحران ساز در سایه شناخته می‌شده است. در اینجا، یعنی دو سال بعد از انقلاب، برای پیروز شدن بر بنی صدر ، طرفدار شفافیت می‌شود و خمینی را مبهم و دارای اشکال خطاب می‌کند . از نوشته او ، این جمله آخر او است که بدون ابهام است و آن نگرانی از خط تحول ارتش است. ترس او از پیروزی در جنگ و تحول ارتش از ارتش شاهنشاهی نه به ارتش ولایت مطلقه خمینی و خمینی که ارتش ملی است. او به خوبی می‌داند که مردم بدون وجود و حمایت خمینی برای آن ۳۰ تا ۴۰ روحانی نمایی که « صاحبان » قدرت بر کشور شده‌اند تره هم خورد نمی‌کردند . زیرا اولاً انقلاب برای به قدرت رسیدن این و آن نبود برای به آزادی رسیدن کشور و به استقلال رسیدن ایران بود. ثانیاً ، در انقلاب ، اینها کاره‌ای نبودند و بعد از انقلاب از فرصت‌ها استفاده کردند و به بر مسند قدرت نشستند. بنا بر این ، تحول ارتش و تحول جنگ به سود ایران، موجب وحشت آقای هاشمی رفسنجانی شده بود . زیرا می‌دید که همه چیز از دست رفته است. چند ماه از جنگ نگذشته است که ایشان احساس می‌کند محبوبیت بنی صدر در میان مردم و ارتش به حدی رسیده است که کار دارد خطر ناک می‌شود. از همینجا است که توطئه بزرگ کردن سپاه پاسداران و کشاندن آن به مقابله ارتش و ضعیف کردن ارتش و تقویت کردن سپاه - یکی از مهمترین هدفهای طولانی کردن جنگ - را بوجود می‌آورند. زیرا می‌دانند برای اینکه بتوانند بر مردم انقلابی آن زمان ایران مسلط باشند علاوه بر کودتا علیه رییس جمهور محبوب آنها باید دارای نیروی نظامی سرکوبگر و خشنی هم باشند که بتواند در صورت نیاز با مردم و ارتش مقابله نماید. شعارهای انحلال ارتش را اینها سر دادند و به پای این و آن گروه سیاسی نوشتند. وجود کمیته های کودتا در نیروهای سه گانه را دست آویز پاره کردن شیرازه ارتش دستگیر و محاکمه و اعدام و اخراج فرماندهان و افسران ارتش را اینها ، به قصد جانشین ارتش کردن سپاه بوجود آوردند و در پی آن، بلاها بود و هست که بر سر مردم ایران آوردند و می‌آورند. در ادامه بررسی خاطرات سال ۶۰ هاشمی رفسنجانی به نکاتی اشاره خواهیم کرد که نشان می‌دهد عمق توطئه بسیار بیشتر از آن چیزی بود که مردم می‌پنداشتند و هنوز می‌پندارند. هاشمی رفسنجانی حتی بعد از يك تاخیر ۱۸ ساله و پس از بررسی مشاورانش و حک و اصلاح یادداشتها و باب روز کردنشان کتاب « عبور از بحران را چاپ کرد. با اینهمه، در یادداشتهای روزانه اش، خوشبختانه نتوانسته است توطئه ای را که چیده اند، مخفی نگاه دارد. جزء به جزء آنها را افشا می‌کند. در همین بند ۴ ، بعد از مبهم خواندن فکر و عمل خمینی ، علت نگارش نامه را خطری ذکر می‌کند که از خط تحول ارتش حس می‌کند. ارتش در حوزه مسئولیت او، نیست. اما او این را می‌داند بدون تعیین تکلیف نیروهای مسلح، نمی‌توان استبداد بر قرار کرد . استبداد ستون فقرات می‌خواهد اگر ارتش و سپاه سازماندهی مردم سالار پیدا می‌کردند ، ستون فقرات استبداد جدید نمی‌شدند. خیانتها و جنایتها و فسادهایی که قرار بود هاشمی رفسنجانی و هم پابگهباش قرار داشتند انجام دهند ، انجام نمی‌شدند.

انقلاب اسلامی : درک نقشی که هاشمی رفسنجانی و همانند های او در کودتای خرداد ۶۰ و جنایتها و خیانتها و فسادهای پیش و پس از آن بازی کرده اند، نیاز به اطلاع از تاریخ واقعی دارد و با در دیدن پرده دروغ و بیرون کشیدن حقیقت ، صادق ترین تاریخها را در اختیار نسلهای امروز و فردا قرار می‌گیرد.

خاندان آقای هاشمی رفسنجانی

قسمت اول

مافیا به گروه‌هایی ذی نفوذ و در سایه‌ای اطلاق می‌گردد که بصورت اختاپوسی بر شبکه‌های مالی، تجاری و صنعتی یک کشور پنجه می‌اندازد. گروه‌های مافیایی همواره درصد کسب ثروت بوده و برای حصول و حفظ آن، لاجرم می‌بایست صاحب قدرت نیز گردند. مافیا با برخورداری از ثروت بی‌حد و حصر در وهله اول سعی می‌کنند با حمایت از برخی سیاستمداران، اراده خود را به آنان تحمیل کرده و شبکه ثروت را از پشتیبانی سیاسیون برخوردار نمایند. این گروه‌های مخوف و هولناک، چنانچه موانعی در مقابل خود مشاهده نکنند، خواهند کوشید تا با بالا رفتن از نردبان قدرت، از یک طرف، روند کسب و حفظ ثروت را تسریع نموده و از طرف دیگر برای خود مصونیت آهنین و چند لایه ایجاد کنند.

گروه‌های مافیایی که اصطلاحاً به «دولت در سایه» معروف می‌باشند برای رسیدن و دستیابی به اهداف و مقاصد خود از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کنند. «تهدید و ارعاب»، «تخریب و بی‌شخصیت نمودن اشخاص» و «حذف فیزیکی» از جمله شیوه‌های مافیا برای برخورد با رقیبان و عوامل سدکننده می‌باشد.

کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد و در چند سال گذشته - بویژه شرایط پس از جنگ - یک جریان مافیایی بسیار بزرگ در کشور شکل گرفته است که با بهره‌گیری از رانتهای بی‌شمار دولتی، به دنبال کسب ثروت بیشتر و توسعه قدرت خود می‌باشد. محفل موسوم به کارگزاران سازندگی و خاندان آقای هاشمی رفسنجانی مصداق بارز این شبکه مافیایی است.

در این سلسله نوشتار به معرفی و ذکر اقدامات آنان در دو عنوان جداگانه «عالیجنابان قدرت‌طلب» و «مافیای ثروت و قدرت» خواهیم پرداخت. عالیجنابان قدرت‌طلب که شماره اول آن منتشر شده است - به معرفی و فعالیت‌های مافیایی عناصر حزب کارگزاران سازندگی می‌پردازد و مافیای ثروت و قدرت نیز، روشنگری پیرامون خاندان آقای هاشمی رفسنجانی را وجهه همت خود قرار داده است. امید آن داریم که مورد توجه مردم عزیز کشورمان بویژه - نسل جوان - قرار گیرد.

اعمال قدرت برای تبدیل اراضی منابع طبیعی به ویلا

آقای محمد هاشمی (برادر آقای هاشمی رفسنجانی) با استفاده از نفوذ و قدرت خود در سال ۱۳۸۰، چندین هکتار از اراضی منابع ملی پلاک ۲۴ اصلی، موسوم به لالان شهرستان شمیرانات (واقع در فشم) متعلق به اراضی منابع طبیعی را تصرف می‌نماید.

۱/ مدیرکل منابع طبیعی استان تهران (غلامعباس عبدی‌نژاد) در تاریخ ۸۳/۴/۲۶ طی نامه شماره ۶۷/۱۱۶۹۷ خطاب به دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵۳۹ تهران، درخواست نموده تا نسبت به ثبت و انتقال قطعی ۱۲۴۵۰ مترمربع از اراضی منابع ملی پلاک ۲۴ موسوم به لالان، با استناد به مجوز شماره ۲۳۲۱/۵ صادره در تاریخ ۸۰/۳/۷ از ریاست سازمان جنگلها و مراتع کشور، به محمد هاشمی اقدام نماید.

آقای محمد هاشمی قبل از انتقال سند فوق، اقدام به فروش یا انجام قراردادهای صورتی جهت انتقال سند قسمتهای دیگری از ملک تصرف شده به نام نزدیکان خود نموده است.

۲/ محمد هاشمی (قبل از اقدامات ذکر شده در بند ۱) اقدام به تأسیس شرکت «کوثر پارس» به شماره ثبت ۲۰۲۶۶۲ به نام حمید رضا نظری (برادر خانم وی)، فرزند محمد، متولد ۱۳۴۵، به شماره شناسنامه ۱۳۴۲، نموده که چند هزار متر از شش دانگ قطعه یک، به مساحت ۴۹۲۲۹۵ مترمربع اراضی پلاک ۱۰۶۶ فرعی و ۲۴ اصلی را با نام این شرکت به ثبت می‌رساند.

۳/ مجتمع فرهنگی روشنگران متعلق به محمد هاشمی در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ قطعه زمینی به مساحت ۵۶۲ مترمربع از زمین متعلق به پلاک ۲۴ اصلی لالان(فشم) را به خانمی به نام ظاهره گلکار فروخته است.

لازم به ذکر است آقای محمد هاشمی در بخشی از متصرفات مذکور اقدام به ساخت دو مجتمع ویلایی فدک و ریحانه نموده که تاکنون حدود ۱۸ واحد آن آماده و هر واحد به مبلغ ۲/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ الی ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال فروخته شده است. دفتر فروش این ویلاها در دفترچه‌ای در مورد آنها آورده است: ... در حال حاضر ۱۸ واحد ویلایی مستقل با مترژی‌هایی از ۱۵۰ تا ۳۵۰ مترمربع بنا و زمین از ۴۰۰ تا ۲۲۵۰ مترمربع می‌باشد.

هر واحد ویلایی دارای شویفاژخانه مستقل، سرایداری، دو انشعاب آب، یک انشعاب برق و یک خط تلفن بوده و شهرک نیز دارای نگهبانی و جاده اختصاصی می‌باشد. بایک حساب سرانگشتی ساده میتوان به این موضوع پی برد که تنها از فروش ۱۸ واحد ویلایی فوق مبلغ ۵۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال سود عاید محمد هاشمی گردیده است.

سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت و خاندان آقای هاشمی

سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت، تحت سیطره کامل مافیای قدرت و ثروت قرار دارد. اینان از این طریق علاوه بر کسب درآمدهای هنگفت، اقدامات مورد نظر خود را در پوشش این سازمان ساماندهی و پشتیبانی مالی می‌نمایند.

در حال حاضر امتیاز ساخت، تعمیر و نگهداری و واگذاری مراکز توزیع CNG (گاز فشرده طبیعی) از طریق این سازمان در اختیار اعضای این خاندان قرار گرفته است. خاندان آقای هاشمی با استفاده از این رانت ۱۰۰ نشریه محلی و استانی را بین ۴/۰۰۰/۰۰۰ تا ۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال و چند روزنامه سراسری را به میزان ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ پشتیبانی مالی می‌نمایند. آنان در جهت سیاستهای مافیای ثروت و قدرت، افکار عمومی را شکل دهند.

وجوهات بنیاد بیماریهای خاص در خدمت انتخابات

اسناد موجود در بنیاد بیماریهای خاص حاکی از آن است که در سال ۱۳۷۴ مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از وجوهات بنیاد بیماریهای خاص، تحت مسئولیت خانم فاطمه هاشمی (دختر آقای هاشمی رفسنجانی)، توسط آقای آشوری در اختیار ستاد انتخاباتی کارگزاران قرار گرفته است. با توجه به شرایط موجود سوء استفاده مالی از محل وجوهات بنیاد بیماریهای خاص در انتخابات آتی متصور می‌باشد.

تبانی خانواده هاشمی در قراردادهای نفتی خارجی

نامه افشاگرانه مدیر مستعفی شرکت استات اوپل یکی از موارد رشوه‌گیری خانواده هاشمی در قراردادهای نفتی است. آقای هویارت (مدیر مستعفی) طی نامه‌ای به هیئت مدیره شرکت مزبور، پرداخت سالیانه ۱/۵۰۰/۰۰۰ دلار به مدت ۱۰ سال به آقای مهدی هاشمی (پسر آقای هاشمی رفسنجانی) را به عنوان پورسانت تشریح کرده است.

اعمال نفوذ مافیای ثروت و قدرت در شهرداری

در پی درخواست صدور مجوز فروش برای باغی به وسعت ۲۲۷۰ مترمربع جنب پارک جمشیدیه، از طرف مالک آن (خانم فرزین)، با تیان صورت گرفته بین آقای علی هاشمی (برادرزاده آقای هاشمی رفسنجانی) و کرباسچی (شهردار وقت تهران) به بهانه طرح گسترش پارک جمشیدیه، این مجوز صادر نگردید و با تحت فشار قرار دادن و تهدید و ارباب وی از طرف شهرداری، علی هاشمی به عنوان نماینده شهرداری، ملک فوق را به نام مریم هاشمی نژاد کشکویی (همسر وی)، به مبلغ ناچیز ۹۰ میلیون تومان خریداری نمود و با رفع موانع فروش و عوامل کاهش دهنده قیمت، آنرا پس از چند ماه به مبلغ ۱/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به فروش رساند.

علی هاشمی بابت ملغی شدن طرح عظیم گسترش پارک جمشیدیه که زمین فوق را کاملاً دربر می‌گرفت و مانع اصلی فروش آن محسوب می‌شد و منتفی شدن طرح تعریض خیابان جمشیدیه که در آن پانصد متر از باغ فوق برای عبور مسیل در نظر گرفته شده بود مبلغ ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان رشوه و حق السهم به کرباسچی (شهردار وقت تهران) پرداخت نمود.

اجرای سیاستهای غلط اقتصادی در دولت موسوم به سازندگی، پیامدهای زیانباری را به کشور تحمیل کرد. شکاف طبقاتی و ایجاد فاصله بین طبقه ثروتمند و کم درآمد از آن جمله است. در طی این سالها متأسفانه این فاصله به نسبت ۷۰ به ۱ رسیده است. بدین ترتیب که چنانچه یک فرد ثروتمند ۷۰۰/۰۰۰ ریال درآمد کسب می‌کرد در مقابل یک فرد کم درآمد ۱۰/۰۰۰ ریال درآمد می‌داشت

جاوید ایران بزرگ و پیروز باد جنبش براندازی

سازمان دانشجویان مبارز ایران زمین

منبع : سازمان دانشجویان مبارز ایران زمین

خاندان آقای هاشمی رفسنجانی

قسمت سوم

سیطره مافیای ثروت و قدرت

ایجاد سیطره بر شریان‌های حیاتی کشور، یکی از اهداف مهم گروه‌های مافیایی است. این سیطره از یک طرف دولت را مجبور می‌کند تا در چارچوب منافع مافیا عمل نماید و از طرف دیگر این توانایی را به گروه‌های مافیایی می‌بخشد تا هرگونه اقدام مخالف منافع خود را با شوک‌های ویرانگر پاسخ دهند.

بخش صنعت، گردش پول، بخش انرژی، صادرات و واردات کالا، بخش مسکن و... از مهمترین شریان‌های حیاتی یک کشور محسوب می‌گردند. بر این اساس و در چند سال گذشته، مافیای ثروت و قدرت کوشیده‌اند تا سیطره خود را بر شریان‌های ذکر شده بیش از پیش تقویت نمایند.

متأسفانه این سیطره، دولت آقای محمد خاتمی را در مسیری قرار داد که در پایان عمر هشت ساله خویش، انبوهی از مطالبات بدون پاسخ مردم - بویژه نسل جوان - را در مقابل خود مشاهده می‌کند.

در این نوشتار سعی بر آن است که ابعادی از سیطره جریان مافیای ثروت و قدرت مورد بازخوانی قرار گیرد.

شهرداری تهران در انحصار مافیای ثروت و قدرت

پس از بر سر کار آمدن دولت سازندگی و دستیابی باند مافیای ثروت و قدرت به مناصب اقتصادی و اجرایی، با انتصاب غلامحسین کرباسچی به سمت شهردار تهران، حوزه نفوذ این باند به کلان شهر تهران نیز کشیده شد و این جریان بیش از پیش به سوءاستفاده از اموال عمومی ادامه داد. در شماره‌های قبلی به گوشه کوچکی از این دست‌اندازی به اموال عمومی اشاره شد. از جمله :

۱/ بهره‌گیری از اموال شهرداری جهت منافع حزبی و شخصی.

۲/ تغییر طرح‌های بزرگ شهر تهران جهت منافع شخصی.

در ادامه همین روند، موارد زیر نیز قابل توجه می‌باشد.

الف/ تغییرمسیر بزرگراه نیاوران جهت کسب ثروت منافع حزبی

در سال ۷۱ مطالعات مربوط به ادامه بزرگراه نیاوران در دستور کار شهرداری تهران قرار می‌گیرد و در تاریخ ۷۱/۹/۹ از سوی مهندسین مشاور معاونت فنی شهرداری، ادامه بزرگراه نیاوران از مسیر خیابان شهید سید کاظم موسوی شروع و در امتداد خیابان پاسداران تا پارک نیاوران مشخص و تصویب می‌شود.

در همین زمان مشخص می‌شود که ملکی به مساحت حدود ۱۰/۰۰۰ متر در حاشیه خیابان پاسداران (نارنجستان دوم)، متعلق به آقایان کرباسچی (بنام همسرش خیرالنساء عسگریان)، عبدا...نوری (بنام پسرش محسن نوری) و فرزندان آقای هاشمی رفسنجانی (مهدی، محسن و فاطمه) در طرح مذکور قرار گرفته است.

آنان متوجه می‌شوند که با وجود طرح مذکور قادر به هیچ کاری بر روی ملک فوق نیستند. لذا به دستور کرباسچی در تاریخ ۷۲/۶/۴ طرح مذکور از مسیری که زمینهای افراد فوق را در بر می‌گرفت، حذف و به جای آن یک مسیر غیرکارشناسی و معوج (پیچ در پیچ) تصویب می‌گردد.

متعاقب این کار توسط شهرداری، دستور تفکیک ملک فوق (بدون پرداخت هیچ‌گونه هزینه‌ای) صادر گردیده و با تغییر کاربری آن به اراضی مسکونی، منافع سرشاری عاید افراد فوق‌الذکر می‌گردد.

از میان شرکاء فقط محسن هاشمی اقدام به ساخت منزل در آنجا نموده‌است. ضمناً تغییر مسیر بزرگراه نیاوران، محدوده ذکر شده را به یکی از مهمترین مناطق حادثه‌خیز تهران تبدیل کرده است.

ب/ تصرف قسمتی از پارک چیتگر جهت احداث باشگاه اسب سواری

یاسر هاشمی (پسر آقای هاشمی رفسنجانی) در زمان ریاست آقای کرباسچی در شهرداری تهران، با استفاده از نفوذ

خود در شهرداری توانست ۴۵/۰۰۰ متر مربع از اراضی پارک چیتگر را تحت عنوان فدراسیون سوارکاری کشور در اختیار بگیرد.

متعاقباً وی در مرحله دیگری ۳۰/۰۰۰ مترمربع از پارک مذکور را هم افزون بر مترائ قبلی تصرف می‌نماید. این درحالی است که در قبال این تصرفات هیچ گونه قرارداد فیما بین شهرداری و یاسر هاشمی به امضا نرسیده است. آقای یاسر هاشمی در این ملک اقدام به اجرای طرح پرورش اسب و باشگاه سوارکاری مجهز به استخر، سونا و جکوزی (برای استفاده اسبها) نموده است.

قاچاق اشیاء عتیقه و کالای غیرمجاز

یاسر هاشمی در زمینه قاچاق اشیاء عتیقه زیرخاکی و میراث فرهنگی بسیار فعال می‌باشد. یکی از اقدامات وی در این زمینه، قاچاق میراث فرهنگی شهرستان قوچان می‌باشد. رفت و آمدهای یاسر هاشمی به شهرستان قوچان و همچنین ارتباطات وی با قاچاقچی اشیاء عتیقه در آمریکا (حسن ثابت بکتاش) بر کسی پوشیده نمانده است.

جدا از نفوذ یاسر هاشمی در بنادر و گمرکات و استفاده از رانتهای کلان در زمینه واردات و صادرات کالا، وی در زمینه قاچاق کالا نیز فعالیت دارد. یاسر هاشمی با استفاده از افراد وابسته به خود چندین دستگاه لنج باربری در بندر امام خمینی خریداری و اجاره نموده و در سطح گسترده‌ای مبادرت به ورود و خروج کالا می‌کند.

«انحصار نفوذ در گمرکات و بنادر کشور توسط مافیای ثروت و قدرت

یکی از مراکز تحت نفوذ و سیطره مافیای ثروت و قدرت، گمرکات و بنادر بوشهر، امام خمینی، چابهار و آستارا می‌باشد و آنان در زمینه بازرگانی داخلی و خارجی و صادرات و واردات کالا فعالیت گسترده‌ای دارند و از رانتهای اقتصادی ویژه‌ای نیز برخوردار می‌باشند.

برای نمونه و جدا از این مسأله که کارهای مربوط به خاندان آقای هاشمی در گمرکات در اسرع وقت انجام می‌گیرد، پرسنل ارزیاب گمرک تخفیفهای ویژه‌ای را در مورد کالاهای آنها در نظر گرفته و اجناس به سرعت ترخیص و به بازار عرضه می‌گردد. این در حالی است که سختگیری گمرکات در مورد بقیه مردم، زبانزد خاص و عام است و گاهی اوقات مراجعین به

خاطر کوچکترین مسأله، ماهها پشت دربهای بسته منتظر مانده و مجبور به پرداخت هزینه و جریمه‌های کمرشکنی می‌شوند

انحصار مافیایی در تجارت پسته

صادرات پسته ایران در انحصار مافیای ثروت و قدرت است. چند تن از بازرگانان ایرانی که در خارج از کشور فعالیت دارند، بیان داشته‌اند شرکت‌های مهم جهان که در کار پسته فعالیت دارند، فقط از طریق اعضای این مافیا قادرند معاملاتی را در ایران انجام دهند و به دیگران اجازه داده نمی‌شود در این کار وارد شوند و این تجارت فقط در انحصار خاندان آقای هاشمی قرار دارد

تلاش برای همراه نمودن یک مجله پرتیراژ

آقای مهدی هاشمی (فرزند آقای هاشمی رفسنجانی) تلاش بسیار گسترده‌ای را برای همراه نمودن مجله خانواده سبز انجام داده است. این مجله که با مدیر مسئولی آقای هرمز شجاعی مهر و در شمارگان ۵۰۰/۰۰۰ نسخه منتشر می‌شود، تأثیر بسیار زیادی بر روی خانواده‌ها دارد.

خبرها حکایت از این مهم دارد که پس از ناکامی آقای مهدی هاشمی در اقدام مذکور، وی در صدد اعمال فشار به آقای هرمز شجاعی مهر برآمده است.

در بررسی‌های به عمل آمده مشخص گردیده است که مهمترین خصوصیات و صفات جوانان ایرانی عبارتست از؛ حق طلبی، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و آرمانگرایی و ... با این صفات و خصوصیات، آیا جوانان ایرانی حاضرند سیطره

مافیای قدرت و ثروت را بپذیرند؟

جاوید ایران بزرگ و پیروز باد جنبش براندازی

سازمان دانشجویان مبارز ایران زمین

منبع: سازمان دانشجویان مبارز ایران زمین

گوشه ای از غارتگری های خاندان رفسنجانی و مافیای کارگزاران

مافیا به گروه‌هایی ذی‌نفوذ و در سایه‌ای اطلاق می‌گردد که بصورت اختاپوسی بر شبکه های مالی، تجاری و صنعتی یک کشور پنجه می‌اندازد. گروه‌های مافیایی همواره درصدد کسب ثروت بوده و برای حصول و حفظ آن، لاجرم می‌بایست صاحب قدرت نیز گردند. مافیا با برخورداری از ثروت بی‌حد و حصر در وهله اول سعی می‌کنند با حمایت از برخی سیاستمداران، اراده خود را به آنان تحمیل کرده و شبکه ثروت را از پشتیبانی سیاسیون برخوردار نمایند. این گروه‌های مخوف و هولناک، چنانچه موانعی در مقابل خود مشاهده نکنند، خواهند کوشید تا با بالا رفتن از نردبان قدرت، از یک طرف، روند کسب و حفظ ثروت را تسریع نموده و از طرف دیگر برای خود مصونیت آهنین و چند لایه ایجاد کنند.

گروه‌های مافیایی که اصطلاحاً به "دولت در سایه" معروف می‌باشند برای رسیدن و دستیابی به اهداف و مقاصد خود از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کنند. "تهدید و ارعاب"، "تخریب و بی‌شخصیت نمودن اشخاص" و "حذف فیزیکی" از جمله شیوه‌های مافیا برای برخورد با رقیبان و عوامل سدکننده می‌باشد.

کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد و در چند سال گذشته - بویژه شرایط پس از جنگ - یک جریان مافیای بسیار بزرگ در کشور شکل گرفته است که با بهره‌گیری از رانت های بی‌شمار دولتی، به دنبال کسب ثروت بیشتر و توسعه قدرت خود می‌باشد. محفل موسوم به کارگزاران سازندگی و خاندان آقای هاشمی رفسنجانی مصداق بارز این شبکه مافیایی است.

در این سلسله نوشتار به معرفی و ذکر اقدامات آنان در دو عنوان جداگانه "عالیجنابان قدرت طلب" و "مافیای ثروت و قدرت" خواهیم پرداخت. عالیجنابان قدرت طلب که شماره اول آن منتشر شده است - به معرفی و فعالیت‌های مافیایی عناصر حزب کارگزاران سازندگی می‌پردازد و مافیای ثروت و قدرت نیز، روشنگری پیرامون خاندان آقای هاشمی رفسنجانی را و جبهه همت خود قرار داده است. امید آن داریم که مورد توجه مردم عزیز کشورمان بویژه - نسل جوان - قرار گیرد.

اعمال قدرت برای تبدیل اراضی منابع طبیعی به ویلا

آقای محمد هاشمی (برادر آقای هاشمی رفسنجانی) با استفاده از نفوذ و قدرت خود در سال ۱۳۸۰، چندین هکتار از اراضی منابع ملی پلاک ۲۴ اصلی، موسوم به لالان شهرستان شمیرانات (واقع در فشم) متعلق به اراضی منابع طبیعی را تصرف می‌نماید.

۱/ مدیرکل منابع طبیعی استان تهران (غلامعباس عبدی‌نژاد) در تاریخ ۸۳/۴/۲۶ طی نامه شماره ۶۷/۱۱۶۹۷ خطاب به دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵۳۹ تهران، درخواست نموده تا نسبت به ثبت و انتقال قطعی ۱۲۴۵۰ مترمربع از اراضی منابع ملی پلاک ۲۴ موسوم به لالان، با استناد به مجوز شماره ۲۳۲۱/۵ صادره در تاریخ ۸۰/۳/۷ از ریاست سازمان جنگلها و مراتع کشور، به محمد هاشمی اقدام نماید.

آقای محمد هاشمی قبل از انتقال سند فوق، اقدام به فروش یا انجام قراردادهای صوری جهت انتقال سند قسمتهای دیگری از ملک تصرف شده به نام نزدیکان خود نموده است.

۲/ محمد هاشمی (قبل از اقدامات ذکر شده در بند ۱) اقدام به تأسیس شرکت کوثر پارس، به شماره ثبت ۲۰۲۶۶۲ به نام حمید رضا نظری (برادر خانم وی)، فرزند محمد، متولد ۱۳۴۵، به شماره شناسنامه ۱۳۴۲، نموده که چند هزار متر از شش دانگ قطعه یک، به مساحت ۴۹۲۲۹۵ مترمربع اراضی پلاک ۱۰۶۶ فرعی و ۲۴ اصلی را با نام این شرکت به ثبت می‌رساند.

۳/ مجتمع فرهنگی روشنگران متعلق به محمد هاشمی در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ قطعه زمینی به مساحت ۵۶۲ مترمربع از زمین متعلق به پلاک ۲۴ اصلی لالان(فشم) را به خانمی به نام طاهره گلکار فروخته است.

لازم به ذکر است آقای محمد هاشمی در بخشی از متصرفات مذکور اقدام به ساخت دو مجتمع ویلایی فدک و ریحانه نموده که تاکنون حدود ۱۸ واحد آن آماده و هر واحد به مبلغ ۲/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ الی ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال فروخته شده است. دفتر فروش این ویلاها در دفترچه‌ای در مورد آنها آورده است: ... در حال حاضر ۱۸ واحد ویلایی مستقل با متراژی‌هایی از ۱۵۰ تا ۳۵۰ مترمربع بنا و زمین از ۴۰۰ تا ۲۲۵۰ مترمربع می‌باشد.

هر واحد ویلایی دارای شوفازخانه مستقل، سرایداری، دو انشعاب آب، یک انشعاب برق و یک خط تلفن بوده و شهرک نیز دارای نگهبانی و جاده اختصاصی می‌باشد. بایک حساب سرانگشتی ساده میتوان به این موضوع پی برد که تنها از فروش ۱۸ واحد ویلایی فوق مبلغ ۵۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال سود عاید محمد هاشمی گردیده است.

سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت و خاندان آقای هاشمی

سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت، تحت سیطره کامل مافیای قدرت و ثروت قرار دارد. اینان از این طریق علاوه بر کسب درآمدهای هنگفت، اقدامات مورد نظر خود را در پوشش این سازمان ساماندهی و پشتیبانی مالی می‌نمایند.

در حال حاضر امتیاز ساخت، تعمیر و نگهداری و واگذاری مراکز توزیع CNG (گاز فشرده طبیعی) از طریق این سازمان در اختیار اعضای این خاندان قرار گرفته است. خاندان آقای هاشمی با استفاده از این رانت ۱۰۰ نشریه محلی و استانی را بین ۴/۰۰۰/۰۰۰ تا ۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال و چند روزنامه سراسری را به میزان ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ پشتیبانی مالی می‌نمایند تا آنان در جهت سیاستهای مافیای ثروت و قدرت، افکار عمومی را شکل دهند.

وجوهات بنیاد بیماریهای خاص در خدمت انتخابات

اسناد موجود در بنیاد بیماریهای خاص حاکی از آن است که در سال ۱۳۷۴ مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از وجوهات بنیاد بیماریهای خاص، تحت مسئولیت خانم فاطمه هاشمی (دختر آقای هاشمی رفسنجانی)، توسط آقای آشوری در اختیار ستاد انتخاباتی کارگزاران قرار گرفته است. با توجه به شرایط موجود سوء استفاده مالی از محل وجوهات بنیاد بیماریهای خاص در انتخابات آتی متصور می‌باشد.

تبانی خانواده هاشمی در قراردادهای نفتی خارجی

نامه افشاگرانه مدیر مستعفی شرکت استات اویل یکی از موارد رشوه‌گیری خانواده هاشمی در قراردادهای نفتی است. آقای هوبارت (مدیر مستعفی) طی نامه‌ای به هیئت مدیره شرکت مزبور، پرداخت سالیانه ۱/۵۰۰/۰۰۰ دلار به مدت ۱۰ سال به آقای مهدی هاشمی (پسر آقای هاشمی رفسنجانی) را به عنوان پورسانت تشریح کرده است.

اعمال نفوذ مافیای ثروت و قدرت در شهرداری

در پی درخواست صدور مجوز فروش برای باغی به وسعت ۲۲۷۰ مترمربع جنب پارک جمشیدیه، از طرف مالک آن (خانم فرزین)، با تبانی صورت گرفته بین آقای علی هاشمی (برادرزاده آقای هاشمی رفسنجانی) و کرباسچی (شهردار وقت تهران) به بهانه طرح گسترش پارک جمشیدیه، این مجوز صادر نگردید و با تحت فشار قرار دادن و تهدید و ارعاب وی از طرف شهرداری، علی هاشمی به عنوان نماینده شهرداری، ملک فوق را به نام مریم هاشمی‌نژاد کشکویی (همسر وی)، به مبلغ ناچیز ۹۰ میلیون تومان خریداری نمود و با رفع موانع فروش و عوامل کاهش دهنده قیمت، آنرا پس از چند ماه به مبلغ ۱/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به فروش رساند.

علی هاشمی بابت ملغی شدن طرح عظیم گسترش پارک جمشیدیه که زمین فوق را کاملاً دربر می‌گرفت و مانع اصلی فروش آن محسوب می‌شد و منتفی شدن طرح تعریض خیابان جمشیدیه که در آن پانصد متر از باغ فوق برای عبورمسیل در نظر گرفته شده بود مبلغ ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان رشوه و حق السهم به کرباسچی (شهردار وقت تهران) پرداخت نمود.

اجرای سیاست های غلط اقتصادی در دولت موسوم به سازندگی، پیامدهای زیانباری را به کشور تحمیل کرد. شکاف طبقاتی و ایجاد فاصله بین طبقه ثروتمند و کم درآمد از آن جمله است. در طی این سالها متأسفانه این فاصله به نسبت ۷۰ به ۱ رسیده است. بدین ترتیب که چنانچه یک فرد ثروتمند ۷۰۰/۰۰۰ ریال درآمد کسب می‌کرد در مقابل یک فرد کم درآمد ۱۰/۰۰۰ ریال درآمد می‌داشت

جاوید ایران بزرگ و پیروز باد جنبش براندازی

سازمان دانشجویان مبارز ایران زمین

منبع: سازمان دانشجویان مبارز ایران زمین

خاندان هاشمی رفسنجانی - شماره هشتم

مافیای ثروت و قدرت و عدم شفافیت

حرکت در سایه و پنهان کاری، کسب ثروت نامشروع و غیرقانونی از یک سو و تبلیغات عوامفریبانه برای دستیابی به قدرت و حفظ آن، از دیگر سو، گروههای مافیایی را به غیر شفافترین جریانهای فعال در جوامع کنونی تبدیل کرده است. بر این اساس گروههای مافیایی با اتخاذ دیپلماسی پنهان و روابط غیر شفاف، در هنگام رویکرد به قدرت، پاسخگو نبودن و عدم شفافیت را با خود وارد فضای سیاسی میکنند.

رفتار مافیای ثروت و قدرت ایران نیز قانداً در چارچوب ذکرشده قابل مذاقه و ارزیابی می‌باشد. عالیجنابان در سایه، علاوه بر سپری کردن هشت سال عملکرد بدون پاسخ- در دولت موسوم به سازندگی- با مقروض کردن ملت ایران به بانکهای خارجی، بر جای گذاردن پروژه‌های نیمه‌تمام رها شده و ایجاد فاصله طبقاتی آزار دهنده، در دولت اصلاحات نیز در آرنج و ترکیب اصلی قرار گرفتند و ضمن بر هم زدن هماهنگی آن، میزان پاسخگویی دولت سید محمد خاتمی را به مراتب پایین‌تری نازل کردند.

در چرایی عدم پاسخگویی و شفاف نبودن جریان مافیا، گمانه‌های زیادی وجود دارد که در این مجال به یکی از آنها اشاره می‌گردد.

عالیجنابان قدرت‌طلب(۱) با فعالیت در اتاق‌هایی با شیشه‌های مات، همواره می‌کوشند تا مانع آگاهی مردم- به عنوان ناظر و داور- از روابط پنهان و پیچیده‌شان شوند. زیرا شفافیت، جریان مافیا را از چرخه مقبولیت عمومی خارج ساخته و دست آنان را از رسیدن به اریکه قدرت کوتاه می‌گرداند.

در این ارتباط آقای عطریانفر در توصیه‌ای- که ناظر بر عدم شفافیت عالیجنابان است- به یکی از دست‌اندرکاران ستاد آقای هاشمی می‌گوید :

یک تیم قوی و ژورنالیستی از افرادی مثل شمس‌الواعظین، قوچانی، سعید لیلانز، محمود صدری و ... را جمع کنید تا برای برنامه تلویزیونی آقای هاشمی واژه‌های فشننگ و خیلی کلی درست کنند. ایشان در برنامه نیاید بگوید ما آن موقع چه کار کرده‌ایم. فقط به صورت کلی بگویند ما ۸ سال کشور را بازسازی کردیم و الان هم می‌خواهیم مشکلات را حل بکنیم.

(۱) مهندس موسوی در سال ۱۳۶۹ در تحلیل رفتار کارگزاران به آنان «قدرت‌طلب» لقب داد.

و عده حل مشکل قضایی برج ساز معروف توسط خاندان آقای هاشمی

آقای جلیل مکینه‌چی یکی از برج سازان و سرمایه‌داران معروف که سرمایه‌های خود را از ایران به دبی منتقل کرده، اخیراً یک ساختمان هفت طبقه گران قیمت (با نمای شیشه‌ای آبی) واقع در خیابان شهید نجات‌الهی را در اختیار ستاد انتخاباتی آقای هاشمی رفسنجانی قرار داده است.

گفتنی است که آقای جلیل مکینه‌چی با اخذ مجوز برج‌سازی از شهرداری تهران (در زمان تصدی آقای کرباسچی)، باغات متعددی را بر خلاف موازین قانونی تخریب نمود.

همچنین گفته می‌شود که نامبرده به دلیل پاره‌ای از تخلفات، دارای یک پرونده قضایی قطور در قوه قضاییه است و فردی بنام قاضی موحد، مسؤل رسیدگی به پرونده مشارالیه می‌باشد.

بر همین اساس خاندان آقای رفسنجانی به مکینه‌چی قول مساعد داده‌اند که در صورت حمایت مالی وی از ستاد انتخاباتی آقای هاشمی در انتخابات آتی و پیروزی ایشان، موضوع پرونده را پیگیری و مشکل قضایی وی را حل نمایند.

لازم به ذکر است که در حال حاضر آقای طه هاشمی و تعدادی از عالیجنابان قدرت‌طلب (اعضای حزب کارگزاران سازندگی)، به عنوان «ستاد امور استانهای آقای هاشمی رفسنجانی» در این ساختمان مستقر بوده و فعالیت می‌نمایند.

«استفاده از اموال عمومی و دولتی در ستاد انتخاباتی آقای هاشمی

بنا به گفته یکی از نزدیکان ستاد آقای هاشمی رفسنجانی، آقای حسینی - یکی از مسئولین اداری مالی نهاد ریاست جمهوری که بودجه‌های خارج از شمول قانون محاسبات عمومی در اختیار نامبرده می‌باشد - به عنوان مسئول مالی و پشتیبانی ستاد آقای هاشمی رفسنجانی، انتخاب شده است.

این انتصاب، ناظر بر سوء استفاده از امکانات، تجهیزات و بودجه‌های نهاد ریاست جمهوری به نفع ستاد آقای هاشمی رفسنجانی می‌باشد. شایان ذکر است بودجه‌های خارج از شمول

این انتصاب، ناظر بر سوء استفاده از امکانات، تجهیزات و بودجه‌های نهاد ریاست جمهوری به نفع ستاد انتخاباتی آقای هاشمی رفسنجانی می‌باشد.

همچنین در ادامه روند سوء استفاده مافیای ثروت و قدرت از امکانات دولتی در انتخابات، می‌توان به حضور ده نفر از کارکنان زن مجمع تشخیص مصلحت نظام، در ستاد انتخاباتی آقای هاشمی اشاره کرد.

«ناوگان کشتیرانی مافیای ثروت و قدرت

همانطور که در اخبار قبلی اشاره شد، خاندان آقای هاشمی از یک سو دارای نفوذ گسترده‌ای در بنادر و گمرکات کشور بوده و از سوی دیگر برخی از شرکتهای خصوصی در زمینه سازه‌های دریایی را نیز در اختیار گرفته‌اند. این امر سبب شده که افراد و نزدیکان این خاندان، حوزه فعالیت خود را در راستای تشکیل ناوگان دریایی و کشتی‌سازی گسترش دهند.

بدیهی است که یکی از کارکردهای کشتی‌سازی و تشکیل ناوگان دریایی، تسهیل امکان قاچاق می‌باشد. در ادامه به بعضی از این موارد قابل تأمل اشاره می‌گردد:

درصد از سهام شرکت «فراساحل» مربوط به آقای مهدی هاشمی (فرزند آقای هاشمی رفسنجانی) می‌باشد. این شرکت ۳۰ درصد به عنوان سازنده مصنوعات و سازه‌های دریایی، در قسمت جنوب غربی کشتی‌سازی بندر عباس فعالیت خود را آغاز کرد. اما پس از مدتی با توجه به نفوذ گسترده مهدی هاشمی در وزارت نفت (رئیس قبلی تأسیسات دریایی وزارت نفت و رئیس فعلی سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت)، بکار قاچاق سوخت دیزل با پوشش صادرات مازوت، سنگ، شن و ماسه مبادرت ورزید.

یکی از فرزندان آقای هاشمی رفسنجانی دو واحد از سکوی وابسته به شرکت صدرا را در اختیار دارد که اولی در جنب تجهیزات دریایی بوشهر و دومی در عسلویه پارس جنوبی واقع است.

از ناوگان فردوس که دارای ده فروند کشتی است، کشتی‌های فردوس ۱، ۲ و ۳ به آقای هاشمیان (خواهرزاده آقای هاشمی رفسنجانی) تعلق دارد. هرچند ناوگان فردوس با عنوان صیادی مشغول به فعالیت است، اما هاشمیان از این سه کشتی به همراه کشتی فارس در امر قاچاق کالا نیز استفاده می‌کند و شرکت در عملیات صیادی بعنوان پوشش آن محسوب می‌شود.

دکتر فاتحیان که از نزدیکان و افراد وابسته به خاندان آقای هاشمی رفسنجانی است، تعداد سه فروند کشتی به نامهای هانی، کسرا و ستاره جنوب را در اختیار دارد.

کشتی کاویان ۲ متعلق به فردی به نام صرافزاده است که از مرتبطين و نزدیکان خاندان آقای هاشمی رفسنجانی محسوب می‌شود.

«توزیع موبایل ماهواره‌ای توسط ستاد انتخاباتی آقای هاشمی

اخیراً ستاد انتخاباتی آقای هاشمی رفسنجانی (شامل خاندان آقای هاشمی و اعضای حزب کارگزاران سازندگی)، تعداد ۱۰۰۰ خط موبایل ماهواره‌ای، خارج از شبکه دیتای کشور در بین ستادهای انتخاباتی خود در سراسر کشور توزیع نموده است.

با توجه به هزینه‌های بالای تلفن ماهواره‌ای (مکالمه آن هر دقیقه حدود ۵۵۰۰ ریال) و قیمت خط و گوشی آن (حدود ۱۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال)، صرف این هزینه‌ها - جدا از محل تأمین آن - این سؤال را در ذهن متبادر می‌سازد که برآستی عاليجنابان مافیایی در تعقیب چه اهدافی می‌باشند؟

خبر اول : ستاد انتخاباتی کارگزاران به علت کمبود منابع مالی، سفرهای تبلیغاتی کاندیدای خود را لغو کرد.

خبر دوم : ستاد انتخاباتی کارگزاران مبلغ ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان هزینه جاری (جدای از هزینه‌های تشکیل ستاد و تبلیغات) به ستادهای استانی خود کمک نمود.

خبر سوم : ستاد انتخاباتی کارگزاران مبلغ ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال برای تهیه یکی از عکس‌های تبلیغاتی کاندیدای خود هزینه کرد.

جاوید ایران بزرگ و سرفراز جنبش براندازی

سازمان دانشجویان مبارز ایران زمین